



University of Tehran Press

The effect of the arbitrator's responsibility on the validity of the arbitration award in the laws of Iran, America and China

Jafar Nouri Youshanlou¹ | Amir Mohammad Ghorban nia^{2✉}

Zahra Nateghi³ | Amir Ramezan Tabar Arai⁴

1. Faculty of Law and Political Science, Tehran university, Tehran, Iran. Email: jafarnory@ut.ac.ir
2. Corresponding Author, Private law, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, Iran. Email: amir.ghorbannia@ut.ac.ir
3. Private law, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, Iran. Email: z.nateghi@ut.ac.ir
4. Private law, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, Iran. Email: amir.ramezantabar@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Received: 2023/06/07</p> <p>Received in revised form: 2023/10/31</p> <p>Accepted: 2023/11/04</p> <p>Published online: 2023/12/22</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Annulling award, Liability, immunity, arbitrator's Arbitration, Arbitrator's</i></p>	<p>Due to the relation between arbitration and adjudication, arbitrator's actions could cause responsibility for them because it may exceed the limits of law and justice. In American law, on the base of equity, if the arbitrator's acts blemish the path of fair result, regardless of the provisions in law and precedent, in addition to incurring him responsibility it may cause his award to be annulled. Also in Chinese law, as it will come later, the arbitrator and his judgment can face the same fate. However, it seems in Iran according to article 489 of civil procedure law and principle of finality of the arbitrator's award, we should limit ourselves to the provisions of law and the timeline that it entails. But this apparent argument is against the principle of fair trial, because firstly it's not right to dismiss the actions of a responsible arbitrator (either disciplinary, criminal or civil responsibility) that can cause uncertainty to fairness of his award and second, it's possible e.g., receiving a bribe by him get established years later and it's not just to stick to the provisions of article 489 and its timelines and declare his award correct. So, in this article, comparatively, we are trying to analyze the American and Chinese approach to this matter so in this way with comparing and assessment of existing legal capacities in Iran, we could find a resolution for this legal gap and present an alternative. This will be done in a descriptive and analytical method.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Nouri Youshanlou, Jafar; Ghorban nia, Amir Mohammad Ghorban nia; Nateghi, Zahra; Ramezan Tabar Arai, Amir (2023). The effect of the arbitrator's responsibility on the validity of the arbitration award in the laws of Iran, America and China. <i>Comparative Law Review</i>, 14 (2), 1049-1068. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2023.360174.634513</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jcl.2023.360174.634513</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press.</p>





University of Tehran Press

مطالعات حقوق تطبیقی

شاپا الکترونیکی: ۳۴۰۴-۳۴۲۳

دوره: ۱۴، شماره: ۲

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

تأثیر مسئولیت داور بر اعتبار رأی داوری در حقوق ایران، امریکا و چین

جعفر نوری یوشانلوئی^۱ | امیرمحمد قربان‌نیا^۲ | زهرا ناطقی^۳ | امیر رمضان تبار ارائی^۴

۱. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: jafarnory@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: amir_ghorbannia@ut.ac.ir

۳. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: z.nateghi@ut.ac.ir

۴. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: amir.ramezantabar@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: ابطال رأی داور، داوری، مسئولیت، مصونیت داور.</p>	<p>اقدامات داور به دلیل ارتباط امر داوری با احقاق حق، از آنجا که ممکن است خارج از حدود قانون یا عدالت باشد، می‌تواند به منشأ ایجاد مسئولیت برای داور بدل شود. در حقوق امریکا، بر اساس عدل و انصاف، اگر اعمال داور باعث تردید در دستیابی به نتیجه منصفانه از مجرای رأی صادره از سوی او گردد، فارغ از موارد مصرح در قوانین یا رویه قضایی، علاوه بر ایجاد مسئولیت برای داور، می‌تواند سبب ابطال رأی وی شود. همچنین در حقوق چین، به شرحی که خواهد آمد، در نهایت رأی داور چنین سرنوشتی پیدا می‌کند. لکن در حقوق ایران، با وجود ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، ظاهراً با توجه به اصل قطعیت رأی داوری، باید موارد امکان ابطال رأی داور را منحصر در همین ماده و مقید به مواعد اعتراض دانست. اما این استدلال ظاهری، برخلاف اصل دادرسی منصفانه است؛ چراکه اولاً روا نیست از اقدامات مسئولیت‌آفرین داور، اعم از انتظامی، کیفری و مدنی که باعث تردید در عادلانه بودن رأی صادره می‌شود، چشم‌پوشیم و ثانیاً ممکن است برای مثال، أخذ رشوه از سوی داور مدت‌ها بعد مشخص شود و عادلانه نیست که طبق ظاهر ماده ۴۸۹ و بنابر منقضی شدن مواعد اعتراض، رأی چنین داوری را صحیح بدانیم. لذا در نوشتار حاضر به صورت تطبیقی در صدد بررسی رویکرد حقوق امریکا و چین در این زمینه هستیم تا از این طریق، با مقایسه و ارزیابی ظرفیت‌های قانونی موجود در ایران، با روش توصیفی-تحلیلی، به رفع خلأهای فعلی و ارائه راهکار بپردازیم.</p>
استناد	نوری یوشانلوئی، جعفر؛ قربان‌نیا، امیرمحمد؛ ناطقی، زهرا؛ رمضان تبار ارائی، امیر (۱۴۰۲). تأثیر مسئولیت داور بر اعتبار رأی داوری در حقوق ایران، امریکا و چین. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۴ (۲)، ۱۰۴۹-۱۰۶۸.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2023.360174.634513
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

از میان روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات، هرچند داوری خالی از عیب و نقص نیست و گاه مورد انتقاد قرار می‌گیرد، امتیازات آن نسبت به دادرسی در دادگاه باعث شده است که به‌شدت در تجارت بین‌الملل مقبولیت پیدا کند (خسروی، ۱۳۹۷: ۲).

با وجود مزایای داوری و گرایش کشورها نسبت به آن، به‌دنبال رونق داوری، به‌مرور این مسئله مطرح شد که اشتباهات یا تقصیر داور نباید بی‌پاسخ بماند؛ لذا در اکثر قوانین داوری، مقرراتی ناظر به مسئولیت داور پیش‌بینی شد که این مسئولیت می‌تواند در اعتبار رأی نیز خدشه ایجاد کند. گرچه در قوانین ایران از جمله قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۹۰ که اولین بار امکان رجوع به داوری را تجویز نمود (دستی و کریمی، ۱۳۹۲: ۱۰۸-۱۰۹) و همین‌طور قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، به تأثیر مسئولیت داور بر اعتبار رأی وی اشاره‌ای نشده است (نصراللهی و حاج‌پیری، ۱۴۰۰: ۸۲)، در کامن‌لا هم به دلیل شباهت وظیفه داور و قاضی، برای داور سطوحی از مصونیت در نظر گرفته شده است. در قانون داوری نیویورک ۱۹۲۰ و قانون داوری ایالات متحده ۱۹۲۵ (Certilman, 2010: 12) که در سطح فدرال اجرا می‌شود و همچنین قوانین داوری مختص ایالات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، به این امر اشاره شده است. لکن این مصونیت به‌موجب آرای قضایی و دیدگاه‌های متفاوت، تعدیل گشته و امروزه نقش واضحی برای مسئولیت داوران در سرنوشت رأی آنان پیش‌بینی شده است. در کشور چین به‌دنبال پذیرش داوری داخلی در سال ۱۹۹۴ و تصویب قانون داوری که نمونه اصلاح‌شده آن از ژانویه ۲۰۱۸ لازم‌الاجرا گردید و نیز از سال ۱۹۵۶ با تأسیس کمیسیون داوری تجاری و اقتصادی بین‌الملل چین (Xiaosong) (CIETAC, 2014: 344)، به مسئولیت داور و اعتبار رأی او پرداخته شد. بنابراین، از این جهت، قوانین داوری در ایران با وجود برشمردن برخی انواع مسئولیت داور و رفتارهای مصداق آن، ظاهراً به دلیل عدم تصریح به تأثیر این مسئولیت بر اعتبار رأی صادره از سوی داور، با خلأ مواجه است. حال آیا این سکوت به معنی عدم تأثیر مسئولیت است یا با استدلال و مقایسه می‌توان به نتایج عادلانه‌تری رسید؟

لذا با توجه به این مسئله و اهمیت آن در احقاق حق مؤثر و حفظ جایگاه نهاد داوری، در این مقاله سعی داریم تا به تفصیل به بررسی تأثیر مسئولیت داور بر اعتبار رأی داوری بر اساس حقوق موضوعه ایران و مقایسه آن با کشور آمریکا به‌عنوان نماینده کامن‌لا و کشور چین به‌عنوان یکی از قطب‌های تجاری و بازرگانی دنیا بپردازیم و خلأهای حقوق ایران در این زمینه را شناخته، برای آنها راه‌حل ارائه کنیم. برای این منظور، در ابتدا به بیان موارد مسئولیت داور در قوانین و سپس به بسط مفهوم اعتبار رأی داور و تأثیری که مسئولیت داور بر آن خواهد گذاشت، می‌پردازیم.

۲. موارد مسئولیت داور در قانون

۱.۲. مسئولیت انتظامی داور

در اکثر کشورهای جهان، یک ارگان یا سازمان خاص همانند دادرسی و دادگاه انتظامی قضات، وکلا و سردفتران که عهده‌دار بررسی خطاها و تخلفات داور و اعمال مجازات انتظامی باشد، وجود ندارد. با این حال، برخی از ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی شده علیه داور ماهیتاً جنبه انتظامی دارند. برای مثال در ایران، در ماده ۴۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی آمده است: چنانچه داور پس از قبول داورى بدون عذر موجه در جلسات داورى حاضر نشود یا استعفا دهد و یا از صدور رأی امتناع نماید... تا ۵ سال از حق انتخاب به‌عنوان داور محروم خواهد بود؛ این محرومیت، ضمانت‌اجرائی با ماهیتی انتظامی است. همچنین در مورد عزل داور به علت تخلفات نیز می‌توان همین تحلیل را ارائه داد. اعمال ضمانت‌اجرای انتظامی در داورى سازمانی که اصولاً از سوی مرکز یا سازمان داورى صورت می‌گیرد، بیشتر مورد توجه است (تقی‌پور، ۱۳۹۲: ۶۵).

در فرض این ماده، اصولاً بررسی اثر مسئولیت داور بر اعتبار رأی وی منتفی است؛ چراکه داور مستعفی یا ممتنع، رأیی صادر نخواهد کرد و لذا بررسی تأثیر مسئولیت انتظامی او بر اعتبار رأی داورى موضوعیت ندارد؛ مگر در خصوص داورى که از حضور در جلسات امتناع نموده و در انتها اقدام به صدور رأی کرده است که در این باره باید گفت رأی وی به علت عدم اطلاع از اظهارات و ادله طرفین، مطابق عدالت نبوده، بنابراین به دلیل مغایرت با اصول دادرسی از جمله اصل ترافعی بودن و لزوم استماع، فارغ از تطبیق با موارد ماده ۴۸۵، قابل ابطال خواهد بود. همچنین اگر داور ممتنع خارج از مهلت رأی صادر کند، عمل او مشمول بند ۴ ماده ۴۸۹ خواهد بود. در نتیجه ظاهراً مطابق قوانین فعلی ایران و با توجه به اینکه در ماده قانونی دیگری غیر از ماده یادشده، به مسئولیت انتظامی داور اشاره نشده است، اصولاً مسئولیت انتظامی داور بر اعتبار رأی او تأثیری نخواهد گذاشت، مگر در دو فرضی که بیان شد.

در امریکا، برخی استدلال کرده‌اند که نقض دستورالعمل‌ها از سوی داوران منجر به ایجاد مسئولیت انضباطی شده، می‌تواند باعث اخراج یا عدم دریافت حق‌الزحمه شود (Mullerat, 2006: 8). برای مثال، داور در نقش یک تصمیم‌گیرنده، مکلف است تعهدات خود را به‌موقع انجام دهد. این تکلیف کاملاً شناخته‌شده، در قوانین ایالتی و فدرال، مقررات سازمان‌های داورى و قوانین ناظر بر مسئولیت حرفه‌ای داوران مورد تصریح قرار گرفته است (میرفخرایی، ۱۳۷۰: ۲۵۷). علاوه بر این، فساد داور نیز بسته به زمانی که کشف می‌شود، تأثیرات متفاوتی خواهد داشت و اگر روند داورى همچنان ادامه یابد، فساد به احتمال زیاد اثر مضاعفی می‌گذارد و معمولاً هم به حذف داور فاسد از دیوان داورى که ضمانت‌اجرائی انتظامی است، می‌انجامد (Gustavo, 2023, 3).

اما در کشور چین، مسئولیت انتظامی داور بیشتر خودنمایی می‌کند. در این کشور، سکوت قانون داور تجاری اقتصادی بین‌الملل در خصوص مسئولیت داوران، منجر به عدم تفاوت مسئولیت داور در دو سطح بین‌المللی و داخلی شده است. این سکوت باعث می‌شود که برای ریشه‌یابی مسئولیت داوران به قواعد عام و داخلی رجوع کنیم. در خصوص مسئولیت انتظامی، داور داخلی منحصراً در اختیار مؤسسات یا کمیسیون‌های داور است که طبق شرایط و مقررات فصل ۲ قانون داور چین تشکیل می‌شوند. در این فصل، شرایط تأسیس و همچنین شرایط داورانی که در این کمیسیون‌ها می‌توانند مشغول به داور شوند، ذکر شده، اما ضمانت اجرایی برای داورانی که برخلاف شرایطی که در قانون آمده (ماده ۱۳ قانون داور چین) به داور پرداخته‌اند، در نظر گرفته نشده است. اما به هر حال، با توجه به ماهیت سازمانی در این کشور، بسیاری از ضمانت اجراها در عمل جنبه انتظامی خواهند داشت؛ چنان‌که کمیسیون‌ها و مؤسسات داور، همگی زیر نظر نهادی مستقل از ارگان‌های دولتی به نام اتحادیه داور چین هستند و ماده ۱۵ قانون داور مشخصاً این نهاد حقوقی را یک نهاد مستقل و خودانتظام نامیده است. این ماده بیان می‌دارد که اتحادیه داور، قوانین انتظامی برای داوران، مؤسسات و کمیسیون‌ها را در اساسنامه خود تنظیم می‌نماید. همچنین ماده ۳۸ در شرایط خاصی داوران را «مسئول» دانسته است. از این واژه عام برمی‌آید که منظور مقنن همه انواع مسئولیت، از جمله انتظامی، است.

۲.۲. مسئولیت کیفری داور

داور مثل هر شهروندی تابع مقررات کیفری بوده، در صورت ارتکاب جرم، قابل تعقیب است. البته در برخی قوانین در کشورهای مختلف، برای بعضی رفتارهای داور ضمانت اجرای جداگانه ذکر شده است. برای مثال در ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات آمده است: هر یک از داوران ... چنانچه در مقابل أخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهارنظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا مجازات نقدی محکوم می‌شود و آنچه گرفته است به‌عنوان مجازات به نفع دولت ضبط خواهد شد (تقی‌پور، ۱۳۹۲: ۶۶). البته در این ماده به تأثیر این مسئولیت کیفری بر اعتبار رأی صادره از سوی داور اشاره نشده، اما طبیعی است که اگر دریافت رشوه از سوی داور اثبات شود، رأی او عادلانه نخواهد بود و محکوم به بی‌اعتباری است. در ماده ۶۴۸ قانون یادشده هم یک قاعده کلی برای مجازات کسانی که به اعتبار شغل یا حرفه اسراری را به‌دست می‌آورند و بدون مجوز قانونی آن را افشا می‌کنند، پیش‌بینی شده است که شامل داور نیز می‌شود. طبیعتاً چنین مسئولیتی به دلیل اینکه اصولاً ارتباط مستقیمی با تمییز حق و مفاد رأی صادره از سوی داور ندارد، نمی‌تواند تأثیری در اعتبار رأی داور داشته باشد؛ مگر اینکه به‌دنبال افشای اسرار، طرف مقابل دعوی با کسب اطلاعات یا اسنادی جدید، نتیجه رأی داور را به سود خود بازگرداند. در این صورت، داور به علت تحصیل دلیل به نفع یکی از طرفین دعوی، عمل خلافی

انجام داده که مستوجب ضمان است و به دلیل اینکه چنین عملی در تضاد با اصول بنیادین دادرسی از جمله اصل تناظر است - که هم در دادرسی قضایی و هم در داوری باید به این اصول پایبند باشد - لذا خارج از موارد قانونی بطلان رأی داوری در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، رأی داور یادشده به علت رعایت نکردن اصول دادرسی ناشی از عدم رازداری و همچنین به دنبال مسئولیت کیفری وی، قابل ابطال خواهد بود.

در امریکا، مسئولیت کیفری داوران در جرایمی است که به طور خاص برای آنان در اجرای وظایف شبه قضایی مشخص شده است. احراز مسئولیت کیفری دشوارتر از مسئولیت مدنی است و در رویه قضایی نیز مصادیق آن بسیار اندک است (Mullerat, 2006: 8). نمونه‌ای از مسئولیت کیفری داور، فساد است. فساد داور زمانی است که وی به دلیل منفعت شخصی یا احتمال وقوع آن، وظیفه بی طرفی را نادیده می‌گیرد. سوگیری آشکار داور بدون داشتن انگیزه منفعت شخصی به منزله فساد نیست. تضاد منافع نیز بدون وجود انگیزه منفعت شخصی، به خودی خود به فساد منجر نمی‌شود. فساد داور معمولاً باید در روند داوری یا دادگاه ثابت شود. به هر حال، فساد مفهومی گسترده است و اکثر مصادیق رفتارهای مشمول مسئولیت کیفری داور را دربر می‌گیرد (Gustavo, 2023, 3).

در کشور چین در سال ۲۰۰۶، قوه مقننه با افزودن متمم ۶ به قانون جزا، در بند ۲۰ آن، مسئولیت کیفری داوران را تشریح می‌کند: « در صورتی که وظایف داوری از جانب قانون به داوری محول شده باشد و وی به سوء نیت در زمان انجام وظایف خود، اعمال خلاف قانون انجام دهد یا قانون را به نفع شخصی تفسیر کند، اگر شرایط جدی باشد، به حبس کمتر از سه سال و اگر اوضاع خیلی خاص باشد به حبس از ۳ تا ۷ سال محکوم خواهد شد». در دکترین حقوقی، اعمال مورد نظر این ماده را به «اعمال ناعادلانه» و «جانب‌داری با قصد یا قصور سنگین» تفسیر نموده‌اند. یعنی هر عملی که خلاف قواعد توافقی داوری و انصاف باشد، برای داور نسبت به سنگینی و اهمیت آن، مادام که با قصد صورت گیرد، متضمن مسئولیت کیفری است. مضاف بر این، در بند ۶ ماده ۵۸ قانون داوری چین، به اعمالی از قبیل اختلاس و رشوه و جعل از سوی داور در پروسه داوری اشاره و این عوامل از اسباب ابطال رأی داور تلقی شده است. همچنین در ماده ۳۸ همین قانون، افرادی که یکی از اعمال بند ۶ ماده ۵۸ را مرتکب شده‌اند، در قبال شخص زیان‌دیده «مسئول» خواهند بود. اگرچه این قانون و قوانین دیگر به صراحت نوع مسئولیت و میزان آن را مشخص نکرده، از طبیعت این اعمال برمی‌آید که یکی از مسئولیت‌های داور موضوع بحث، مسئولیت کیفری است.

۲.۳. مسئولیت مدنی داور

پاسخ کشورهای مختلف به امر مسئولیت مدنی داور یکسان نیست و اکثر قوانین داوری هم نسبت به این امر ساکت هستند. قانون نمونه داوری تهیه شده از سوی آنسیترال نیز مسئله مسئولیت مدنی داور را مطرح

نکرده است. در نظام حقوقی کامن‌لا، اصولاً داور مانند قاضی در غیر از مواردی همچون سوء نیت یا ترک داوری بدون توجیه، از مصونیت برخوردار است. اما در کشورهای حقوق نوشته، مثل هر شخص متعهدی که بر اساس قرارداد مسئول شناخته می‌شود، اصل بر مسئولیت مدنی داور است. در ایران، ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی اصل مسئولیت مدنی داور را بیان نموده، درحالی که قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نسبت به این موضوع ساکت است (تقی‌پور، ۱۳۹۲: ۶۸). ضمناً اگر داور در خلال رسیدگی به دعوا، امانت‌دار نباشد و موجب ضرر هریک از طرفین دعوا و یا شخص ثالث شود، با احراز شرایط، مرتکب خیانت در امانت شده و باید با توجه به مواد ۶۷۳ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی ضرر و زبانی را که وارد نموده است، از باب مسئولیت مدنی جبران کند و مجازات کیفری خود را متحمل شود (شاهین، ۱۳۹۵: ۷۳). در خصوص تأثیر مسئولیت مدنی داوران بر اعتبار رأی آنان، در بخش بعدی به تفصیل توضیحاتی ارائه خواهد شد.

در حقوق ایالات متحده آمریکا، داور همانند قاضی از اصل مصونیت از تعقیب مدنی برخوردار است (براتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۵). بر این امر، هم در رویه قضایی و پرونده‌های مختلف تأکید شده و هم در قوانین بیشتر ایالت‌های آمریکا اصل مصونیت داور از تعقیب مدنی پذیرفته شده، لکن سوء نیت داور استثنایی بر اعمال این اصل است و در این موارد داور مسئول خواهد بود (تقی‌پور، ۱۳۹۲: ۷۱). برای مثال، داور باید در صورت کشف تعارض منافع، با اعلام آن از قبول داوری خودداری کند و در غیر این صورت، مستحق حق الزحمه نخواهد بود و همچنین اگر تعارض منافع آشکار بوده باشد باید مسئول جبران تمام هزینه‌های ناشی از عدم افشا نیز شناخته شود. در تأیید این نظر به اداری بودن عمل عدم افشای تعارض منافع استناد کرده و گفته‌اند چون این عمل قضایی نیست، پس مشمول مصونیت نمی‌شود. اما آرای دادگاه‌ها خلاف این نظر است (میرفخرایی، ۱۳۷۰: ۲۵۴). علاوه بر این، انجام به موقع تعهدات، امری است که در قوانین ایالتی و فدرال، مقررات سازمان‌های داوری و قوانین ناظر بر مسئولیت حرفه‌ای داوران نیز به آن تصریح شده است. بنابراین در صورت صدور رأی خارج از مهلت، دادگاه‌ها به اختیار طرفین به پرداخت حق الزحمه رأی داده‌اند و عدم صدور به موقع رأی از جانب داور را از جهات مسلم ابطال رأی می‌دانند. دادگاه در این مورد استدلال می‌کند که داور به دلیل عدم انجام به موقع وظایف خویش، شباهت خود را به قاضی از دست داده است و لذا نمی‌تواند مشمول مصونیت قرار گیرد (میرفخرایی، ۱۳۷۰: ۲۵۷).

در ماده ۳۶ قانون کیفری چین آمده که خسارت‌های اقتصادی بزه‌دیده قابل جبران و قابل مطالبه است. همچنین ماده ۳۸ قانون داوری، داوران را در برابر همه اعمالی که غیر عادلانه و خلاف بی‌طرفی باشد، مسئول می‌داند. قطعاً یکی از مسئولیت‌ها، مسئولیت جبران خسارت‌های وارده ناشی از این اعمال خلاف حق داوران است. همان‌طور که مشخص است در نظام حقوقی چین که برخلاف نظام حقوقی کشورهای کامن‌لا و به خصوص آمریکا، هیچ صحتی از مصونیت داوران در قبال تصمیمات خود به میان

آورده نشده است، لذا در هر دو کشور چین و ایران، برای شناسایی نظام مسئولیت مدنی داور، باید به قواعد عمومی توجه گردد. قواعد عمومی هم به این موضوع اشاره دارد که هرکس با هر عمل خود باعث ضرر و زیان شخص دیگر شود، در قبال آن شخص مسئول خواهد بود. این حکم در مورد داوران هم قابل اجرا است (Pisacane, 2016: 120).

۳. تأثیر مسئولیت داور بر اعتبار رأی داور

۳.۱. اعتبار رأی داور

۳.۱.۱. مفهوم اعتبار

اعتبار در لغت به معنای قابلیت اعتماد و اطمینان و در عالم حقوق در معانی متفاوتی چون ارزش، اصالت و همچنین قابلیت استناد به سند و تحمیل مفاد آن به کار می‌رود. در قوانین ایران نیز در مواد مختلف از مفهوم اعتبار تعبیر متفاوتی ارائه شده است. برای مثال در مواد ۱۸۸ و ۱۹۰ قانون مدنی و ماده ۷۰ قانون ثبت در خصوص سند عادی و رسمی، اعتبار به معنای قابلیت استناد و یا تحمیل مفاد سند به کار گرفته شده است. در مورد اعتبار رأی داور، اما مطابق کلیت مواد قانون آیین داری مدنی و همچنین ماده ۳۵ قانون داور تجاری بین‌المللی که بیان می‌دارد: «آرای داور که مطابق با مقررات قانون مزبور صادر شود، قطعی و پس از ابلاغ رأی لازم الاجرا می‌باشند»، اعتبار رأی داور در مفهوم قابلیت و لزوم اجرا از سوی دادگاه و به دنبال آن، قابلیت استناد تعریف شده است.

۳.۱.۲. ریشه اعتبار رأی داور

در باب ریشه اعتبار رأی داور دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است. از جمله عده‌ای نظریه قراردادی را مطرح کرده‌اند و رأی داور را در خصوص طرفین و قائم‌مقام آنها نافذ دانسته، این نفوذ را تنها به موجب حاکمیت اراده داور می‌دانند. در حقوق ایران، مطابق مواد ۲ و ۴۸ آیین دادرسی مدنی، رسیدگی داور منوط به درخواست ذی‌نفع بوده که خود نشان‌دهنده تأثیر اراده طرفین در اعتبار یافتن رأی داور است. علاوه بر این، مواد بسیاری در قوانین داور به تأثیر اراده طرفین در صلاحیت و اختیارات داور اشاره دارد. لذا از آنجا که اراده طرفین طبق این نظر، منجر به اعتبار یافتن رأی داور شده است، همین اراده نیز در صورت اقدام مسئولیت‌آفرین داور، خدشه‌دار شده، می‌تواند اعتبار رأی داور را مورد تردید قرار دهد.

در مقابل، عده‌ای بر این باورند که اعتبار رأی داور به موجب قانون است. مواردی چون حمایت قانون‌گذار در ماده ۴۸۸ آ.د.م از اجرای رأی داور و همچنین ماده ۳۴ قانون داور تجاری بین‌المللی مواردی را مطرح می‌کند که رأی داور رأساً باطل و غیرقابل اجرا بوده، گویا حتی در صورتی که

محکوم علیه به آن استنادی نکند، دادگاه رأساً می‌تواند نسبت به بطلان آن اقدام نماید؛ لذا از آنجا که قانون به رأی داور اعتبار بخشیده، مسئولیت داور تنها زمانی منجر به بی‌اعتباری رأی وی می‌گردد که در قانون پیش‌بینی شده باشد. مادهٔ اخیر به‌طور آشکار از اصول مربوط به داوری عدول کرده و دخالت دادگاه‌ها در غیر اعتراض طرفین را به رسمیت شناخته است؛ چراکه داوری یک دادرسی خصوصی و مورد توافق طرفین بوده که قانون صرفاً آن را تأیید نموده است.

۳.۱.۳. محدوده و دامنه اعتبار رأی داور

یکی از آثار مهم اصل آزادی قراردادهای، آزادی گزینش طرف قرارداد بوده، اصل نسبی بودن و حاکمیت اراده نیز از این ره مورد توجه قرار می‌گیرد. لذا باید گفت طبق این اصول و همان‌طور که در مادهٔ ۳۳۱ قانون مدنی آمده است صرفاً طرفین و قائم‌مقام آنها ملزم به اجرای تعهدات هستند. موافقت‌نامهٔ داوری نیز عقدی است که به‌موجب آن طرفین متعهد شده‌اند که دعوی خویش را به داوری واگذار کنند و این عقد نمی‌تواند حقوق یا تعهداتی را بر غیر طرفین یا قائم‌مقام آنها ایجاد کند. لذا مسئولیت داور و تأثیر آن در اعتبار رأی، تنها طرفین داوری را تحت تأثیر قرار خواهد داد و این مسئولیت تنها در صورتی مؤثر بر اعتبار رأی است که به نفع یکی از طرفین قرارداد داوری ایجاد شده باشد.

۳.۲. مسئولیت داور

۳.۲.۱. تأثیر مسئولیت داور

حال زمانی که از تأثیر مسئولیت داور سخن می‌گوییم، منظور چیست؟ آیا باید به رأی داور همانند نتیجهٔ یک عقد بنگریم و مانند اعمال حقوقی دیگر، در صورت اثبات مسئولیت داور، برای آن ضمانت اجرایی همچون فسخ و ابطال و عدم نفوذ در نظر بگیریم؟ در پاسخ به این سؤال‌ها باید گفت که ما نمی‌توانیم تأثیر مسئولیت داور به رأی وی را با هیچ‌کدام از این موارد قیاس کرده، حکم موضوع را بیابیم؛ چراکه از طرفی درست است که رأی داوری و ارجاع به داوری اغلب ناشی از یک توافق است، ولی نمی‌توان گفت که رأی داور مسئول، ماحصل و نتیجهٔ عقد است که بتوان به دلیل عدم حصول نتیجهٔ مطلوب معامله، آن را فسخ کرد یا عدم رعایت غبطهٔ طرفین را موجب عدم نفوذ آن دانست. قرارداد داوری با عقود دیگر متفاوت است و حتی نوعی قرارداد اجارهٔ اشخاص نیست که بگوییم این رأی به‌عنوان حاصل عمل شخص اجیر، حاوی صفات مورد توافق نبوده، یا اجیر اعمال مسئولیت‌آفرینی انجام داده که به‌دنبال آن بتوانیم قرارداد را فسخ و رأی را از اعتبار ساقط کنیم. بنابراین، قرارداد داوری ویژگی شبه‌قضایی دارد و نمی‌توان آن را مانند عقود صرفاً مدنی نگاه کرد؛ لذا بی‌اعتباری رأی داور، مفهومی خاص است.

۲.۲.۳. ارتباط مسئولیت با اعتبار رأی داور**الف) آثار اعمال و اقدامات مسئولیت آفرین داور**

در حقوق ایران، عواقب رفتارهای داور می‌تواند به چند شکل جلوه‌گر شود: نخست، جرح داور. طبق ماده ۱۲ قانون داور تجاری بین‌المللی، «داور» در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی‌طرفی و استقلال او شود و یا اینکه واجد اوصافی نباشد که مورد توافق و نظر طرفین بوده است. شخصی که به‌عنوان داور پیشنهاد می‌شود، باید هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد بی‌طرفی و استقلال او می‌شود، افشا نماید. اما در قانون آیین دادرسی مدنی، از جرح و موجبات آن به‌صراحت صحبتی نشده است و صرفاً از رد داور در مواد ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۰ و ۴۷۱ بحث شده است. در سیستم داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی نیز ماده ۱۱ از جرح داور صحبت کرده است. دوم، عزل داور. ماده ۴۷۲ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص عزل داور بیان می‌کند: «بعد از تعیین داور یا داوران طرفین حق عزل آنان را ندارند مگر با تراضی». در صورتی که طرفین دعوا با هم توافق کنند، امکان عزل داور وجود دارد. ولی اگر یکی از طرفین به این کار رضایت نداشته باشد، امکان برکناری داور وجود ندارد. سوم، رأی داورى ممکن است راجع به موضوعات مطلقاً یا به‌طور نسبی غیرقابل داورى صادره شده یا صادرکننده رأی محروم از داورى بوده باشد. در هریک از موارد یادشده، رأی داورى باطل است (شاهین، ۱۳۹۴: ۷۹). در ماده ۳۴ قانون نمونه آنسیترال نیز به داورى‌پذیری و موارد آن اشاره شده است (بهمنی و شیخ عطار، ۱۳۹۷: ۵۶۲). چهارم، بر اساس ماده ۴۸۹ آیین دادرسی مدنی، رأی داور در هفت بند قابل ابطال بوده، قابلیت اجرا ندارد. همچنین طبق ماده ۳۳ قانون داورى تجاری بین‌المللی، رأی داورى در موارد مندرج در آن ماده به درخواست یکی از طرفین از سوی دادگاه (موضوع ماده ۶) قابل ابطال بوده، طبق ماده ۳۴ نیز موارد بطلان احصا شده است.

ب) بررسی بندهای ماده ۴۸۹ از منظر مسئولیت داور

قانون‌گذار در بند یک ماده یادشده، یکی از موارد بطلان رأی داور را صدور رأی خلاف قوانین موجد حق دانسته است. این امر زمانی با مسئولیت داور ارتباط پیدا می‌کند که باعث ورود ضرر به یکی از طرفین شود. در این فرض، به‌روشنی مسئولیت داور از نوع مسئولیت مدنی خواهد بود؛ چراکه این بند ناظر به محتوای رأی داور است، نه اعمال وی که بتواند وصف انتظامی یا کیفری داشته باشد. در این صورت می‌توانیم ریشه ابطال رأی داور را در مسئولیت مدنی وی پیدا کنیم. البته با توجه به ماده ۵۰۱، شرط اثبات مسئولیت داور تقصیر است؛ لذا درغیر از این موارد، بند یک ماده ۴۸۹ و به‌دنبال آن ابطال رأی داور، ارتباطی با مسئولیت وی ندارد.

در مورد بند ۲ این ماده که به اصدار رأی خارج از موضوع داوری اشاره دارد، می‌توان تقصیر داور را اصولاً متصور بود و در صورت ورود ضرر، حکم به مسئولیت وی داد که در این صورت، ریشه ابطال رأی داور در این ماده، مسئولیت مدنی او خواهد بود. چراکه در موارد ارجاع به داوری فرض بر این است که داور از موضوع مورد اختلاف مطلع بوده، با اشراف کامل نسبت به موضوع اظهار نظر می‌کند و در غیر این صورت داور مقصر است؛ چراکه عرفاً از داور انتظار می‌رود که با علم کامل به موضوع و اختلاف و توجه کامل به ادله و اصول حقوقی، رأی صادر کند و اگر این کار با این کیفیات صورت نگرفت، عمل او مشخصاً مصداق تفریط است.

در بند سوم ماده ۴۸۹، یکی از موارد ابطال رأی داور، اصدار رأی خارج از حدود اختیار بیان شده است. البته در این صورت، تنها آن بخش از رأی که خارج از اختیار داور بوده قابل ابطال است. همان‌گونه که قاضی اختیار خود برای قضاوت امور را از قانون می‌گیرد، داور نیز به استناد موافقت‌نامه داوری که اساس و مبنای داوری است، صلاحیت امر داوری را پیدا کرده، از حدود و ثغور اختیارات و صلاحیت‌های خود آگاه می‌شود. لذا اصل بر عدم اختیار داور است، مگر آنکه همچون ماده ۴۸۳، به وی اختیار انجام کاری داده شده باشد. با این حال، همان‌طور که اگر قاضی در دادرسی به غیر از خواسته رأی دهد، رأی وی قابل نقض خواهد بود؛ در صورتی که رأی وی قطعی شده باشد نیز قابل اعاده دادرسی است. در خصوص داور نیز چون طرفین اختیارات وی را تعیین می‌کنند و همان‌ها نیز می‌توانند بر اختیارات وی افزوده و یا آن را کاهش دهند، بنابراین، رأی داور در صورت درخواست ابطال هریک از طرفین، باطل می‌شود؛ در غیر این صورت طرفین می‌توانند با تنفیذ اختیارات داور، رأی وی را تأیید نمایند. البته آرا به دو صورت قابل تجزیه و غیرقابل تجزیه صادر می‌شود. فرض بند ۳، تنها به آرای قابل تجزیه پرداخته است. با این حال، ممکن است این فرض در رأی غیرقابل تجزیه هم رخ دهد. در این صورت، باید گفت که تمام رأی در صورت درخواست هریک از طرفین باطل بوده، قابلیت اجرا نخواهد داشت؛ چراکه گویی وی همچون بند ۲ ماده در غیر موضوع داوری رأی صادر نموده است. در این حالت، یا باید تمام روند داوری از ابتدا رسیدگی شود و با صرف وقت و هزینه دوباره، طرفین ملزم به انتخاب داور جدیدی شوند و یا با ارجاع داوری به داور سابق، صرف‌نظر از وقت زیادی که از طرفین گرفته می‌شود، ممکن است به دلیل وجود تجربه ناخوشایند قبلی، علاوه بر مخدوش شدن رابطه داور با طرفین، منجر به صدور تصمیمات جانب‌دارانه و گاه مغرضانه داور نسبت به موضوع گردد. لذا داور در صورت فراتر رفتن از حدود اختیارات و ایجاد ضرر، اعم از مادی و معنوی، مسئول جبران آن خواهد بود و در صورتی که قبل از هر چیز، به مسئولیت داور اشاره و مورد ایراد واقع شود، می‌تواند در راستای عمل به بند ۳ ماده ۴۸۹، منجر به ابطال یا عدم اجرای رأی گردد.

بند ۴ ماده ۴۸۹ بیان می‌دارد: در صورتی که رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده

باشد، قابل ابطال است. طبق ماده ۴۵۸، طرفین مکلف به تعیین مدت داورى بوده، در صورت عدم تعیین، مطابق ماده ۴۸۴ مدت آن سه ماه خواهد بود. لذا طبق قانون، داور از لحاظ مدت محدودیت دارد و ملزم به تصمیم‌گیری در محدوده زمانی مشخصی است. در واقع می‌توان گفت طبق قانون، داورى به صورت مقید بوده، داور ملزم است در زمان معین در موافقت‌نامه داورى اختلاف را حل کند و در صورت عدم امکان صدور رأی در مهلت و یا تقصیر و عمد وی در عدم انجام به‌موقع آن، هریک از طرفین بتواند رأی وی را باطل نماید. در این حال، علاوه بر باطل شدن داورى شخص یادشده، قرارداد داورى وی نیز باطل خواهد شد. بند ۴ ماده یادشده مصداقی از بندهای ۲ و ۳ است؛ چراکه صدور رأی خارج از مدت داورى برخلاف خواست طرفین و همچنین خارج از حدود اختیارات داور است. همان‌طور که بیان شد، موارد ماده ۴۸۹، تنها زمانی می‌تواند باعث ابطال رأی داور شود که مطابق ماده ۴۹۰ هریک از طرفین ظرف مهلت مقرر آن را درخواست نموده باشند. رأی صادره از دیوان عالی کشور به شماره ۱۳/۳۱۳/۷۳ مؤید این امر است و اطلاع طرفین از تأخیر و پذیرش آن به‌عنوان دلیلی بر قابل ابطال نبودن رأی، پذیرفته شده است. صدور رأی خارج از مهلت، از مصادیق سوء رفتار داور تلقی شده، مطابق ماده ۱۲ قانون داورى تجارى بین‌المللی، امکان جرح داور را فراهم می‌کند. همان‌گونه که طبق بند ۲ ماده ۱۴ و بند ۷ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات، تأخیر در صدور رأی به تخلف انتظامی از جانب قاضی منجر می‌شود، این فرض در خصوص داور نیز به دلیل اهمیت مسئله زمان و مهلت داورى، منجر به مسئولیت شده، در صورت درخواست هریک از طرفین در مهلت مقرر مطابق ماده ۴۹۰، به ابطال رأی وی می‌انجامد.

در قانون نظارت بر رفتار قضات، تأخیرات غیرموجه تنها منجر به مسئولیت می‌شود؛ گرچه در ماده ۴۸۹ تأخیر به‌طور مطلق آورده شده، با این حال با در نظر گرفتن ماده ۴۷۳، می‌توان گفت تأخیر موجه داور مسئولیتی برای وی در پی نخواهد داشت، ولی تأخیر غیرموجه، علاوه بر الزام وی به جبران خسارت، نامبرده را تا ۵ سال از حق انتخاب شدن به داورى محروم خواهد کرد که مسئولیتی انتظامی برای داور است. لذا داور حتی در صورت عدم درخواست ابطال هریک از طرفین، مطابق ماده ۴۹۰ و همچنین با وجود صحیح بودن رأی و فقدان اشکال ماهوی، مسئول است و این امر با توجه به اهمیت اصل سرعت در تجارت و فراگیری داورى نزد تجار قابل توجیه می‌باشد؛ بنابراین این بند نیز در ارتباط کامل با مسئولیت داور قرار دارد.

بند ۵ ماده ۴۸۹، به ابطال‌پذیری رأی داور به دلیل مخالفت با آنچه در دفتر املاک یا دفتر اسناد رسمی بین طرفین ثبت شده است و اعتبار قانونی دارد، اشاره می‌کند. واضح است که علت تقنین این بند، تکریم جایگاه و اهمیت اسناد رسمی و قابلیت استناد آنهاست. لذا، از این رو، سند رسمی قبلاً حقی برای یک یا دو طرف قرارداد داورى ایجاد کرده و رأی داور به دلیل آنکه تاب معارضه با این حق رسمی مکتسبه را ندارد، محکوم به بطلان است. در این فرض، اصولاً ضرری متصور نیست و مسئولیت داور

مطرح نمی‌شود؛ مگر در صورت عمد و یا قصور که منجر به تکرار فرایند داوری و اتلاف وقت شده، ممکن است ضرری به یک یا هردو طرف قرارداد داوری وارد کند. البته همچنان دلیل بطلان رأی داور در این ماده چنین ضرری نیست و همان‌طور که گفته شد به اعتبار اسناد رسمی بازمی‌گردد و لذا ارتباط آن با مسئولیت داور برخلاف بندهای قبلی دور از ذهن است.

رأی صادره از جانب داوری که مطابق بند ۶ ماده ۴۸۹، مجاز به داوری نبوده، قابل ابطال است؛ برای مثال، شخص مجبور و یا اشخاصی که به موجب قانون و در راستای مسئولیت انتظامی، از داوری به مدت مشخصی محروم شده‌اند. در این صورت واضح است که مسئولیت داور و محرومیت وی به‌دنبال آن، سبب اصلی بی‌اعتباری رأی صادره از سوی داور است. اما در سایر فروض، مثل حجر، دلیل بطلان رأی، عدم صلاحیت شخصی داور است و نه اعمال منجر به مسئولیت وی؛ مگر داور نسبت به منع قانونی و غیرمجاز بودن داوری از سوی خویش مطلع باشد و با این وصف، به رسیدگی و صدور رأی اقدام نماید که در این صورت به دلیل تقصیر، اگر ضرری به طرفین داوری وارد شود، داور از این جهت مسئول است. لکن با وجود ارتباط، دلیل اصلی بی‌اعتباری رأی داور، این مسئولیت نیست.

دلیل بطلان رأی داور در بند ۷ ماده ۴۸۹، بی‌اعتباری قرارداد یا شرط داوری است. در این صورت، از ابتدا داور مجاز به رسیدگی و صدور رأی نبوده، اصلاً نمی‌توان اعتباری برای رأی وی قائل شد تا بتوان تأثیر مسئولیت وی بر اعتبار رأی داوری را بررسی کرد. لذا در این بند، دلیل اصلی بطلان رأی داور، خدشه در قرارداد داوری و در اصل، مخدوش بودن اراده و رضایت طرفین اختلاف نسبت به امر داوری است که در قرارداد داوری جلوه می‌کند. البته در این صورت، می‌توان به مبنای مشترکی با مدعای اصلی نوشتار حاضر رسید؛ چراکه در این بند، دلیل اصلی بطلان رأی داور، خلل در اراده طرفین اختلاف است که داوری را تجویز می‌کنند؛ همین‌طور در صورتی که به‌دنبال تردید در صدور رأی عادلانه از جانب داور به دلیل عواملی مانند أخذ رشوه، مسئولیت کیفی وی مطرح شود، به سبب مخدوش شدن اراده طرفین در انتخاب چنین داوری، باید در اعتبار رأی صادره از سوی وی تردید کرد. بنابراین در هر دو صورت، عیب اراده و رضایت طرفین به بی‌اعتباری رأی منجر می‌شود؛ گرچه یکی در منشأ داوری که قرارداد داوری است و دیگری در حین رسیدگی و در رضایت نسبت به صدور رأی از سوی داور مقصر و مسئول جلوه می‌کند.

اما به هر حال، بحث اصلی این نوشتار در مورد مسئولیت داور نیست، بلکه در مورد تأثیر مسئولیت وی بر رأی صادره از جانب اوست. با توجه به ماده ۴۸۹ و استدلال‌هایی که در راستای ایجاد ارتباط میان بندهای این ماده و مسئولیت داور آورده شده است، دیدیم که اکثر بندهای این ماده واجد چنین ارتباطی است. پس می‌توان گفت وقتی مسئولیت داور در چارچوب سطور ماده ۴۸۹ بتواند باعث عدم اعتبار رأی داور شود، در سایر موارد نیز با وحدت ملاک، در صورت ایجاد تردید در عادلانه بودن محتوا یا روند صدور رأی، باید توانایی مخدوش کردن اعتبار رأی داور وجود داشته باشد. اما موضوع به همین سادگی نیست،

چراکه قانون گذار در ماده ۴۹۰ درخواست بطلان رأی داور را در موارد ماده ۴۸۹ محدود به درخواست از دادگاه در زمان مشخص از زمان ابلاغ رأی داور کرده است و در ماده ۴۹۲ بیان می‌دارد که درخواست بطلان خارج از موعد مقرر، منجر به ردّ دادخواست می‌شود. این درحالی است که اثبات تقصیر و مسئولیت داور و مطالبه خسارت از وی طبق قوانین و قواعد حقوق مدنی محدود به زمان نیست. این شیوه‌ای که قانون گذار درپیش گرفته است می‌تواند دلایل قابل دفاعی داشته باشد؛ مثل اینکه این مقرر برای اعتبار بخشیدن بیشتر به داوری و تسریع امور است که در ماهیت، ارجاع امر به داوری است. بنابراین، مسئولیت داور لزوماً باعث ابطال رأی وی ذیل ماده ۴۸۹ نمی‌شود؛ چراکه امکان دارد تقصیر و مسئولیت داور چندین سال بعد از ابلاغ رأی وی اثبات شود، ولی رأی داور طبق مواد قانون به دلیل عدم اعتراض مطابق با ماده ۴۸۹ در زمان مشخص لازم‌الاجرا بوده و چه بسا اجرا شده است.

۳.۳. تأثیر مسئولیت داور بر اعتبار رأی داوری در حقوق ایران، امریکا و چین

با توجه به این مقررات و موارد بیان شده در انواع مسئولیت داور (کیفری، انتظامی و مدنی)، به نظر می‌رسد در قانون ایران در خصوص تأثیر مسئولیت داور بر اعتبار رأی داوری، خلأ وجود دارد و نص صریحی نداریم. در تمام مواردی که از مسئولیت انتظامی، کیفری و مدنی داور در قوانین ایران صحبت کردیم و در تمام مصادیقی که از مواد قانون برشمردیم، هیچ صحبتی از آثار این مسئولیت بر اعتبار رأی داور در مراحل پیش و پس از صدور آن، به میان نیامده است. لذا به نظر می‌رسد می‌توان طبق عدالت و انصاف و حکم عقلی، این‌طور گفت که اگر داور عملی انجام دهد که برای او مسئولیت به‌همراه داشته باشد (از هر نوع) و این عمل باعث تردید جدی در عادلانه بودن رأی و بی‌طرفی داور گردد، نباید در بی‌اعتباری رأی صادره از سوی این داور شک کرد. لکن اگر ضمانت اجراهای لازم در خصوص اعمال مسئولیت‌آفرین داور اعمال شد و ارتباطی با اعتبار رأی صادره از سوی داور کشف نشد، مسئولیت داور تأثیری در درستی رأی او نخواهد داشت. اما به هر حال، به دلیل خلأ قانونی، معیار دقیقی نداریم و بهتر است به قوانین موجود بسنده کنیم و این‌طور بگوییم که طرفی که داور نسبت به او مسئولیت پیدا کرده است، اگر در صحت رأی داور به سبب مسئولیت وی تردیدی دارد، باید یکی از این سه راه‌حل را برگزیند:

- اعتراض به رأی داوری مطابق ماده ۴۹۰ در مهلت بیست‌روزه بعد از ابلاغ آن بر اساس موارد ماده ۴۸۹. در این صورت، مسئولیت داور به شکل مستقیم موجب ابطال رأی نیست و باید عمل موجب مسئولیت، مصداق یکی از موارد ماده ۴۸۹ باشد؛ در غیر این صورت، صرف مسئولیت داور از این جهت تأثیری در اعتبار رأی نخواهد داشت. موارد ابطال و بطلان رأی در داوری بین‌المللی در قانون داوری تجاری بین‌الملل نیز (مواد ۳۳ و ۳۴) ذکر شده است. در ضمن در مواردی هم ممکن است رأی راجع به موضوعی صادر شده باشد که به‌طور مطلق یا نسبی قابل ارجاع به

داوری نباشد یا ممکن است صادرکننده رأی، محروم از داوری بوده باشد و از این جهت مسئولیت پیدا کند. در هریک از موارد یادشده، رأی داوری محکوم به بطلان است و چنین رأیی را دادگستری نه می‌تواند و نه باید پشتیبانی و اجرا کند. به همین علت، نگارندگان مقاله قائل به پذیرش اعتراض خارج از موعد نسبت به آرای یادشده هستند، لکن باز هم مستقیماً مسئولیت داور علت اصلی بطلان این آرا نمی‌تواند باشد.

- جرح داور. بر اساس موادی که در مورد جرح گفته شد (مثل مواد ۴۷۰، ۴۷۱ و ۴۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۲ قانون داوری تجاری بین‌الملل)، طرفی که داور نسبت به او مسئولیت دارد، می‌تواند جرح یا ردّ داور را با احراز شرایط قانونی مطرح سازد. اما باز هم مسئولیت داور به‌تنهایی از علل جرح نیست.
- عزل داور. مطابق ماده ۴۷۲ قانون آیین دادرسی مدنی، طرفی که داور نسبت به او مسئول است می‌تواند جهت جلوگیری از صدور رأی از جانب چنین داوری، با طرف مقابل بر سر عزل داور تراضی نماید.

به‌غیر از موارد یادشده، در قانون ما ماده‌ای وجود ندارد که در آن به تأثیر مستقیم مسئولیت داور بر اعتبار رأی صادره از سوی او اشاره شده باشد و از این جهت قوانین ایران قابل انتقاد و ناقص‌اند. بهتر بود در قانون ذکر شود که رأی داور به‌دنبال مسئولیت او در مواردی که بر بی‌طرفی یا عادلانه بودن رأی او مؤثر است، بی‌اعتبار تلقی شده یا امکان اعتراض و ابطال آن فراهم است.

اما نظر غالب در ایالات متحده که مدت‌ها بسیاری از آرا دالّ بر آن بود، قائل بودن مصونیت مطلق برای داور است. در این نظر، داوران حتی در مواردی که به قصد اضرار، تحت تأثیر فساد مالی، متقلبانه و یا با سوء نیت عمل کنند، نمی‌توان آنها را برای جبران ضرر و خسارات وارده مورد تعقیب قرار داد؛ حتی اگر تخلف آنها به ابطال رأی منجر گردد. قائلان مصونیت محدود داور در ایالات متحده همچنان در اقلیت قرار دارند. با این حال، برخی از آرای محاکم که بعدها در قوانین ایالتی نیز نفوذ یافت، قائل است به مسئولیت داور در مواردی که با سوء نیت عمل کرده است. در پرونده *بیور علیه براون*^۱، دادگاه زمانی که رفتار داور ناشی از تخلف عمدی وی باشد، این اختیار را به طرفین می‌دهد که از پرداخت حق‌الزحمه به وی خوداری کنند. در پرونده *لاندرگرن علیه فریمن*^۲ نیز دادگاه مسئولیت جبران ضرر و خساراتی را که از سوء نیت و قصد اضرار ایجاد شده بود بر خود داور تحمیل کرد. برخی از حقوق‌دانان در صورت اثبات حسن نیت داور پیشنهاد اعمال مصونیت آنان را ارائه داده‌اند و گروهی نیز با وجود آگاهی از تأثیر اعمال مصونیت در تشویق داوران به داوری، بر این باورند که قائل شدن مصونیت مطلق برای داوران، به

1. *Baylor v. Brown*

2. *Lundgren v. Freeman*

رفتارهای غیرمسئولانه و بی‌عدالتی منتهی شده، از رغبت افراد در ارجاع دعاوی به داوری می‌کاهد. در نهایت، برخی از ایالات همچون مریلند، تنها زمانی داور را مصون از مسئولیت مدنی می‌دانند که حسن نیت یا عدم سوء نیت وی به اثبات برسد. بنابراین در حقوق امریکا همان‌طور که گفتیم اصل بر مصونیت داور است، مگر در موارد خاص یا در صورت احراز سوء نیت؛ لذا به‌طور کلی طرح دعاوی ضرر و زیان علیه داوران، نسبت به اعمال آنان که دارای ماهیت قضایی است، ممکن نیست. اما در سایر موارد، برای طرح دعوی مسئولیت علیه داور، به ابطال رأی در مرحله نخست نیاز است که همچون مانعی در جهت جلوگیری از اعمال نفوذ ناروا و رفتارهای ایدایی علیه داور عمل می‌کند. لذا تنها در مواردی که سوء رفتار داور منجر به ابطال رأی گردد، امکان طرح دعوی مسئولیت مدنی وجود دارد. مورد دیگری که برای مسئول تلقی کردن داور نیاز است، اثبات شدن درجه تقصیر وی به میزان معینی است. اشتباهات داور نمی‌تواند موجب ابطال رأی و درنهایت مسئولیت وی گردد (میرفخرایی، ۱۳۷۰: ۲۵۹)، لکن به لحاظ کیفری، از نظر برخی، فساد از عوامل مؤثر بر اعتبار رأی داور است. فساد بسته به زمانی که کشف می‌شود تأثیرات متفاوتی خواهد داشت و اگر روند داوری همچنان ادامه داشته باشد، فساد به احتمال زیاد اثر مضاعفی خواهد گذاشت؛ چراکه معمولاً منجر به حذف داور فاسد از دیوان داوری شده و همچنین ممکن است به تکرار تمام مراحل انجام‌شده قبل از عزل داور فاسد بینجامد. اگر حکم قبلاً صادر شده باشد، شاید به دلیل فساد کنار گذاشته شود. در کنوانسیون ICSID، فساد به‌عنوان دلیلی برای ابطال حکم ذکر شده و در کنوانسیون نیویورک و قانون نمونه آنسیترال نیز به‌عنوان دلیلی برای عدم اجرا و یا ابطال حکم آمده است (Gustavo, 2023: 3). اما به هر حال، نمونه آرای صادره مبتنی بر فساد داور و تأثیر آن بر اعتبار رأی بسیار کم بوده، حالت استثنایی دارد و قاعده همان است که در مورد مصونیت نسبی ذکر کردیم.

درنهایت می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به غالب بودن نظریه مصونیت وسیع در امریکا، ابطال رأی داور و ارتکاب تقصیر فاحش از سوی او، منجر به مسئولیت وی نمی‌شود و لذا نمی‌توان فرض تأثیر مسئولیت داور بر آرای داوری را در امریکا در نظر گرفت. حتی در صورت پذیرش نظریه اقلیت یعنی نظریه مصونیت محدود، در صورتی می‌توان برای داور مسئولیت قائل شد که تقصیر وی اثبات و رأی وی نیز باطل شده باشد و لذا فرضی که در آن مسئولیت بتواند بر رأی تأثیرگذار باشد، قابل تحقق نخواهد بود؛ چراکه قبل از آن رأی باطل شده و ابطال رأی است که بر مسئولیت داور تأثیر می‌گذارد و نه برعکس (میرفخرایی، ۱۳۷۰: ۲۵۹).

در حقوق کشور چین، ماده ۵۸ قانون داوری، موارد ابطال رأی داوری و عدم اجرای آن از سوی دادگاه‌ها

را بیان می‌کند. در بند ۶ این ماده، اعمالی با ماهیت کیفری از قبیل رشوه دیده می‌شود که شخص محکوم‌علیه با تقدیم مدارک علیه داور خاطی، می‌تواند از دادگاه اجازه عدم اجرای رأی او را بگیرد. در نگاه اول شاید به نظر برسد که رأی داور ماهیتاً باطل نمی‌شود و فقط قدرت اجرایی خود را ازدست می‌دهد، ولیکن با تأمل در قواعد حقوقی و طبیعت آرای داوری و قضایی درمی‌یابیم که رأیی که قدرت اجرایی نداشته باشد با رأی باطل تفاوتی ندارد. البته لازم به ذکر است که با توجه به نص قانون، این بطلان و ازدست دادن قدرت اجرایی، منوط به تقاضای شخص زیان‌دیده است، پس می‌توان گفت عمل خلاف قانون داور، رأی وی را به‌خودی خود باطل نمی‌کند، بلکه بطلان رأی به تشخیص دادگاه عالی محل داوری نیاز دارد. قانون چین درباره تأثیرات دیگر مسئولیت‌های داور بر آرای وی ساکت است، ولی با توجه به قواعد عمومی و اینکه در قانون چین همیشه بین تقصیر سنگین و سبک و شرایط جدی یا خیلی جدی تفاوت گذاشته شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که اگر تقصیر داور خیلی خاص یا سنگین باشد، مانند جرایم ذکرشده، این امر از علل ابطال رأی داور تلقی می‌شود. همچنین در ماده ۵۸ قانون داوری به این موضوع اشاره شده است که اگر دادگاه عمومی اجرای رأی داوری را برخلاف منافع عمومی و جامعه تشخیص دهد، اجرای آن را متوقف و لغو خواهد کرد. قطعاً یکی از مواردی که می‌تواند برخلاف نفع اجتماعی باشد، اجرای رأیی است که خلاف انصاف و موازین حقوقی یک جامعه صادر شده است.

۴. نتیجه‌گیری

با وجود اهمیت و مزایای داوری به‌عنوان روشی جایگزین برای حل و فصل اختلافات، در اکثر کشورها برای افزایش دقت صدور آرای داوری، برای رفتارهای خلاف قرارداد داوری یا قانون از سوی داور، ضمانت‌اجراهایی پیش‌بینی شده و داور مسئول اقدامات خود خواهد بود. حتی در کشورهای کامن‌لا نیز با وجود پذیرش اصل مصونیت داور، روز به روز به سمت محدود کردن دایره این اصل، همان‌طور که گفته شد، پیش می‌روند. چنان‌که این اصل تنها در مورد مسئولیت مدنی داور و تنها در حدود اعمال قضایی او کاربرد داشته و موارد مسئولیت کیفری و انتظامی داور در این کشورها به رسمیت شناخته شده است. در مقابل، در کشورهای تابع حقوق نوشته، مسئولیت داور در تمام ابعاد، از جمله مدنی، پذیرفته شده است. اما سؤال اصلی این است که انواع مسئولیت‌های داور چه تأثیری بر اعتبار رأی صادره از سوی او دارد. با توجه به مطالب معنونه مشاهده می‌شود که در نظام حقوقی کامن‌لا که در نوشتار ما کشور امریکا نماینده آن است، با وجود پذیرش نظریه مصونیت، رویه و طریق بهتر و روشن‌تری برای پاسخ به این سؤال اتخاذ شده است؛ چراکه با توجه به میل اصل مصونیت به سمت نسبی شدن در سال‌های اخیر و محدودیت‌های آن، انعطاف خوبی در راستای نیل به عدالت مشاهده می‌شود که از طریق مسئول شناختن داور در موارد احراز سوء نیت یا به دلیل هر عمل فاقد ماهیت قضایی یا خلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی، جلوه‌گر

می‌شود. علاوه بر این موارد، هرکجا عدل و انصاف اقتضا کند، مطابق مبانی نسبیّت مصونیت، امکان مسئول شناختن داور وجود دارد. حال اگر عمل موجب مسئولیت در حدی یا به نوعی باشد که باعث تردید در بی طرفی در صدور رأی و عادلانه بودن آن گردد، قطعاً دادگاه حکم به ابطال رأی داور می‌دهد؛ ولو این امر جزء موارد قانونی ابطال رأی داور نباشد؛ البته این مسئله، غیر از مواردی است که دادگاه اعتقاد دارد که برای طرح دعوای مسئولیت علیه داور، ابتدا باید رأی صادره از سوی او ابطال گردد. مضاف بر این، در حقوق چین در صورتی که داور مرتکب جرایم خاصی شود که عادلانه بودن رأی وی را زیر سؤال ببرد، در موارد تقصیر داور در موضوعات خاص و تقصیر سنگین، رأی داور بی اعتبار و غیرقابل اجرا شناخته می‌شود. همچنین اگر دادگاه عمومی اجرای رأی داور را برخلاف منافع عمومی و جامعه تشخیص دهد، اجرای آن را متوقف و لغو خواهد کرد. در حقوق ایران نیز موارد مسئولیت کیفری و مدنی و انتظامی داور در قانون مشخص شده، لکن در خصوص تأثیر این مسئولیت‌ها بر اعتبار رأی داور، خلأ قانونی وجود دارد و نص صریحی نداریم. حتی با اینکه اکثر بندهای ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی ریشه در مسئولیت داور دارد یا با آن مرتبط است، به دلیل محدودیت آن در موارد محصور در این ماده و مقید شدن آن به درخواست در زمان مشخص، نمی‌توان با وحدت ملاک یا استدلال در راستای عدالت، مسئولیت داور را به عنوان سببی مستقل برای ابطال رأی داور تلقی نمود. لذا برخلاف دو کشور دیگر، تنها در صورتی که عمل موجب مسئولیت داور از موارد قانونی موجبات ابطال رأی داور باشد و در زمان مشخص نسبت به آن اعتراض شود، می‌توان رأی داور را بی اعتبار دانست و در سایر موارد، مسئولیت داور تأثیری بر اعتبار رأی نخواهد گذاشت. این رویه در حقوق ایران به طور واضح قابل انتقاد است و لذا در جهت اجرای عدالت، پیشنهادهایی برای اصلاح رویکرد موجود ارائه می‌شود:

- بهتر است قوانین و مقررات مربوط به داور داخلی، با رفع خلأهای فعلی، مانند مقررات داور تجاری بین‌المللی، در قالب قانونی مستقل گردآوری شود. ضروری است در قانون یادشده در بند قبل، تمام مصادیق رفتارهای موجب مسئولیت از جانب داور تا حد امکان ذکر شود و ضمانت اجرای آن، از جمله تأثیری که بر اعتبار رأی داور می‌گذارد، مشخص گردد.
- حداقل در صورت عدم اجرای موارد یادشده، می‌توان با اصلاح قوانین موجود، مانند ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ناظر بر مسئولیت داور در قانون مجازات، اثر این مسئولیت‌ها نسبت به اعتبار رأی داور را در انتهای این مواد ذکر کرد.
- در اقدامی جایگزین می‌توان به ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی که موارد ابطال رأی داور را برشمرده است، مسئولیت داور را به حدی که موجب تردید در اعتبار و عادلانه بودن رأی صادره از سوی وی گردد نیز اضافه نمود.
- لازم است در اقدامات یادشده تعادل رعایت گردد و مسئولیت داور به نحوی نباشد که مانع ایفای

تعهدات وی یا اشتغال به حرفه داورى شود. لذا مطلوب است سازوکارى پیش‌بینى گردد تا داور در دعواى ابطال رأی داورى، امکان دفاع از صحت اقدامات و رأی صادره از جانب خود را داشته باشد تا ابطال رأی موجب خدشه به اعتبار و ایجاد مسئولیت غیرعادلانه برای او نشود.

- در پایان، بهتر است داوران با تکالیف و مسئولیت‌های قانونی خود از طریق اطلاع‌رسانی یا اقدامات نهادها یا سازمان‌های داورى آشنا گردند تا موارد ارتکاب رفتارهای موجب مسئولیت که باعث تردید در صحت و بی‌طرفی رأی صادره از جانب آنان می‌شود، به حداقل برسد.

منابع

الف) فارسی

۱. براتی، جعفر؛ خسروی، احمد و برزگری دهج، حمید (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی مصونیت داور در حقوق ایران، در مقایسه با نظام داورى تجارى بین‌الملل و نظام داخلی داورى ایالات متحده آمریکا و ولز و انگلستان. نشریه پژوهشنامه حقوق تطبیقی، (۵)، ۸۲-۵۹.
۲. بهمنی، محمدعلی و شیخ عطار، حسنی (۱۳۹۷). قانون حاکم بر داورى‌پذیری دعاوى. مطالعات حقوق تطبیقی، ۹ (۲)، ۵۴۵-۵۷۰.
۳. تقی‌پور، بهرام (۱۳۹۲). مسئولیت داور در حقوق ایران و برخی کشورها. نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، ۵ (۱)، ۸۵-۵۷.
۴. خسروی، وحید (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل حقوقی داورى در حقوق تجارت بین‌الملل. فصلنامه علمی حقوقی قانون‌یار، ۲ (۷)، ۲۲۷-۲۵۰.
۵. دشتی، محمدرضا و کریمی، عباس (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی قرارداد داورى: رضایی یا تشریفاتى. مطالعات حقوق تطبیقی، ۴ (۱)، ۹۹-۱۱۵.
۶. شاهین، شعله (۱۳۹۴). مقایسه تطبیقی مسئولیت مدنى داور در حقوق ایران و اسناد فراملی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی عباس زمانی. مرودشت: دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده حقوق، تاریخ دفاع ۱۳۹۴/۰۳/۲۶.
۷. نصراللهی شهری، نیما و حاج پیری، کیمیا (۱۴۰۰). بررسی روش‌های فوق‌العاده شکایت از رأی داورى، بازبینی مفهوم نهایی بودن آرای داورى در نظام حقوقی ایران. دوفصلنامه تخصصی حقوق قراردادهای و فناوری‌های نوین، ۲ (۳)، ۷۹-۹۹.
۸. هاوس مینیجر، کریستین (۱۹۹۰). مسئولیت مدنى داوران. ترجمه محمدجواد میرفرخایی (۱۳۷۰). مجله داورى بین‌المللی، فصلنامه علمی مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۱ (۱۵)، ۱۶۵-۲۰۶.

(ب) انگلیسی

1. Certilman Steven, A. (2010). A Brief History of Arbitration in the United States, *New York Dispute Resolution Lawyer*, 3(1), 10-13.
2. Gustavo, L. (2023). Arbitration Corruption, <https://jusmundi.com/en/document/publication/en-arbitrator-corruption>
3. Mullerat, M. (2006). The liability of Arbitrators: a survey of current practice, *International Bar Association Commission on Arbitration Chicago*.
4. Pisacane, G & Murphy, L. & Zhang, C. (2016). *Arbitration in China: Rules & Perspectives*. Singapore: Springer.
5. Xiaosong, D. (2014). Criminal liability of arbitrators in China: analysis and proposals for reform Commercial Arbitration, *Washington international law journal*, 23(2), 342-394.